



من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم

- | | |
|----|--|
| 1 | من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم |
| 2 | من که عیب توبه کاران کرده باشم بارها |
| 3 | عشق دردانه است و من غواص و دریا می‌کده |
| 4 | لاله ساغر گیر و نرگس مست و بر ما نام فسق |
| 5 | بازکش یک دم عنان ای ترک شهر آشوب من |
| 6 | من که از یاقوت و لعل اشک دارم گنج ها |
| 7 | چون صبا مجموعه گل را به آب لطف شست |
| 8 | عهد و پیمان فلک را نیست چندان اعتبار |
| 9 | من که دارم در گدانی گنج سلطانی به دست |
| 10 | گرچه گردآلود فقرم شرم باد از همتم |
| 11 | عاشقان را گر در آتش می پسندد لطف دوست |
| 12 | دوش لعلش عشوه می داد حافظ را ولی
من نه آنم کز وی این افسانه ها باور کنم |

روایت شاملو

- | | |
|--|--|
| 1، 2، 7، -، -، 4، -، 11، 10، -، 9، 3، 5، - | من که عیب توبه کاران کرده باشم سال ها |
| | چون صبا مجموعه گل را به آب لطف شست |
| | وقت گل گویی که تائب شو؟ - به چشم و سر! ولی |
| | زهد وقت گل چه سودانی ست؟ حافظ! هوش دار |
| | من که امروزم بهشت نقد حاصل می شود |
| | با وجود بینوائی، رو سیه بادم چو ماه |
| | گوشه محراب ابروی تو می خواهم ز بخت |
- توبه از می وقت گل دیوانه باشم گر کنم!
کز دلم خوان گر نظر بر صفحه دفتر کنم!
می روم تا مصلحت با شاهد و ساغر کنم!
تا عوذی خوانم و اندیشه دیگر کنم!
و عده فردای زاهد را چرا باور کنم؟
گر قبول فیض خورشید بلند اختر کنم!
تا در آن جا همچو حافظ درس عشق از بر کنم.